

رابرت وانوی ، تاریخ عهد عتیق، درس ۲۸

دکتر رابرت وانوی و تد هیلدبرانت، ۲۰۱۲ ©

دعای برکت یعقوب برای یهودا، یوسف

نظرات آغازین

با توجه به طرح کلی که از پیشرفت هفته به هفته به شما ارائه دادم، ما تا حدودی از جایی که فکر می‌کردم تا این هفته خواهیم بود، جلوتر هستیم. به عبارت دیگر، فکر می‌کردم به ابراهیم برسیم، اما در حال حاضر به اسحاق و یعقوب رسیده‌ایم. بنابراین خیلی جلوتر هستیم. و امروز به یوسف خواهیم پرداخت؛ این به ما در سه ماهه بعدی کمک خواهد کرد. این بدان معناست که در سه ماهه بعدی زمان بیشتری خواهیم داشت، که خوب است. در چنین دوره‌ای پیش‌بینی اینکه تا کجا پیش می‌روید دشوار است، زیرا به میزان زیادی به میزان بحث و تعامل بستگی دارد. اگر بحث زیادی وجود داشته باشد، میزان مطالبی که می‌توانید پوشش دهید را کند می‌کند. در نهایت، من برخی از موارد را حذف می‌کنم. ما در این کلاس، با توجه به علایق شما، آزادی عمل زیادی برای انجام کارهایی که می‌توانیم انجام دهیم، داریم.

ف. یعقوب ... ۳. یعقوب در فنیئیل در پیدایش ۳۲

ما در کلاس ۴ بودیم. زیر ف. ما کلاس ۳ را تمام کردیم. «یعقوب در فنیئیل فقدان یوسف در پیدایش ۳۷. ۴. در پیدایش ۳۲.» «فقدان یوسف در پیدایش ۳۷» است. من واقعاً قصد ندارم در مورد پیدایش ۳۷ بحث کنم؛ ما آن را زیر نظر خود یوسف بررسی خواهیم کرد. اما فکر می‌کنم خوب است وقتی به زندگی یوسف فکر می‌کنید، اینجا به آن اشاره کنید. از دست دادن یوسف نقطه عطف مهمی بود زیرا یوسف به مصر می‌رود. در نهایت، این بدان معناست که تمام خانواده یعقوب به مصر می‌روند.

بیا بید به ۵ برویم. «برکات یعقوب در پیدایش ۴۹». حال، کل فصل پیدایش ۴۹ برکات یعقوب در پیدایش ۴۹. ۵.

شامل برکاتی است که یعقوب برای هر یک از پسرانش بیان می‌کند. این یادآور کاری است که نوح با پسرانش انجام داد. به یاد داشته باشید که او برکات و نفرین‌های خاصی را برای سام، حام و یافث بیان کرد. اسحاق پسران خود را در پیدایش ۲۷:۲۷ و بعد از آن برکت داد. البته یعقوب، قبل از این، در آنچه در آخرین ساعت کلاس ذکر کردیم، پسران یوسف - افرایم و منسی - را برکت داد.

حال با وجود تمام این فرمول‌بندی‌های برکات، شما واقعاً در مورد چیزی بیش از میل نوح یا میل یا آرزوی یعقوب برای پسرانش صحبت می‌کنید، زیرا فکر می‌کنم باید بگوییم که این برکات در واقع بیانات الهام‌شده‌ای از آنچه که قرار است بر فرزندان افراد درگیر اتفاق بیفتد، هستند. این برکات برای آینده برنامه‌ریزی شده‌اند؛ ما نحوه‌ی عملکرد آن با پسران نوح و پیامدهای آن را دیدیم. در اینجا نیز همین امر صادق است. بنابراین

فکر می‌کنم که آنها باید به درستی به عنوان ویژگی‌های نبوی درک شوند. فکر می‌کنم باید نتیجه بگیریم که یعقوب، از طریق وحی الهی، چیزی از آینده‌ی هر یک از قبایل اسرائیل را می‌بیند، همانطور که این برکات را در پیدایش ۴۹ اعلام می‌کند.

من قصد ندارم این فصل را مرور کنم و به تک تک این بیانات نگاه کنم. اما برکات یهودا - پیدایش ۴۹: ۸-۱۲ ای « می‌خواهم بر روی یکی از این بیانات برای یهودا، که در آیات ۸-۱۲ است، تمرکز کنم. در آنجا می‌خوانیم یهودا، برادرانت تو را ستایش خواهند کرد؛ دست تو بر گردن دشمنانت خواهد بود؛ پسران پدرت در برابر تو تعظیم خواهند کرد. تو ای یهودا، بچه شیر می‌هستی؛ تو از شکار برگشته‌ای، پسر. مانند شیر، چمباتمه می‌زنی و دراز می‌کشی، مانند شیر ماده - چه کسی جرأت می‌کند او را بیدار کند؟ عسا از یهودا دور نخواهد شد، و نه عصای فرمانروایی از میان پاهایش، تا زمانی که به کسی که به او تعلق دارد برسد و اطاعت ملت‌ها از آن او باشد. الاغ خود را به تاک و کره‌اش را به بهترین شاخه خواهد بست. لباس‌هایش را در شراب و ردايش را در خون آیه ۱۰ بسیار شناخته «انگور خواهد شست. چشمانش از شراب تیرمتر و دندان‌هایش از شیر سفیدتر خواهد بود شده و قابل توجه است، اما اگر به قسمت قبلی برکت نگاه کنید، فکر می‌کنم می‌بینیم که عبارت اول دلالت بر این دارد که آیین نخست‌زاده با یهودا خواهد بود - «برادرانت تو را ستایش خواهند کرد.» من فکر می‌کنم سلسله‌ی وعده‌هایی که از ابراهیم از طریق اسحاق به یعقوب رسیده است، اکنون باید با یهودا ادامه یابد.

دو چیز در مورد یهودا گفته شده است: چیزی در مورد دشمنانش و چیزی در مورد رابطه او با برادرانش. «دست تو بر گردن دشمنانت خواهد بود و پسران پدرت در برابر تو تعظیم خواهند کرد.» به عبارت دیگر، او دشمنان خود را مطیع خود خواهد کرد و برادرانش برتری او را تشخیص خواهند داد.

ای یهودا، تو « سپس در آیه 9 جلال او در تصویر یک شیر به تصویر کشیده شده است اشاره اولیه به پادشاهی بچه شیر هستی؛ از شکار برمی‌گردد، پسر. مانند شیری چمباتمه می‌زنی و دراز می‌کشی، مانند شیر ماده - چه عصای سلطنت از یهودا « این عبارت ما را به این جمله معروف می‌رساند « کسی جرأت می‌کند او را بیدار کند؟ ». جدا نخواهد شد، و نه عصای فرمانروا از میان پاهایش، تا زمانی که به سوی کسی که به آن تعلق دارد، بیاید حال «عصای سلطنت» کلمه‌ای است که برای نشان دادن سلطنت استفاده می‌شود. این نمادی از قدرت سلطنتی بود. عبارت این است: «عصای سلطنت از یهودا جدا نخواهد شد.» خب، قطعاً مفهوم این است که سلطنت در یهودا ظهور خواهد کرد. بنابراین شما در اینجا اولین نشانه صریح مبنی بر وجود یک سلسله سلطنتی در اسرائیل را مشاهده می‌کنید. کل ایده پادشاهی در اسرائیل بعداً به یک موضوع مهم تبدیل می‌شود. واقعاً تا زمان شائول و داوود در زمان سموئیل پس از دوره داوران تثبیت نشد. اسرائیل مدت زیادی قبل از ظهور پادشاهی در این سرزمین بود، اما در نهایت تثبیت شد. این موضوع در پیدایش ۴۹ پیش‌بینی شده است. چیزهای دیگری بعداً در کتاب اعداد ۲۴

توسط بلعام گفته می‌شود، زمانی که او درباره آینده اسرائیل پیشگویی کرد. او همچنین سلطنت را در اسرائیل می‌بیند. وقتی به تثنیه ۱۷ می‌رسیم، یک قانون پادشاه وجود دارد که از قبل تعیین شده است. این قانون توضیح می‌دهد که وقتی پادشاهی دارید، چگونه باید عمل کند. واقعاً تا بعداً تثبیت نمی‌شود، اما در پادشاهی، نهادی را تثبیت می‌کنید که در نهایت نهادی است که به حاکم بزرگ مسیحایی آینده اشاره می‌کند که به خود مسیح اشاره دارد که به عنوان پسر داوود بر تخت سلطنت خواهد نشست. بنابراین پادشاهی به یک موضوع مهم تبدیل می‌شود. در اینجا یکی از اولین نشانه‌های آن آمده است.

بسیاری از مردم بر این باورند که قبل از ظهور پادشاهی، هیچ تصویری از آن وجود نداشته و وقتی که ظهور کرد، مردم آن را چیزی اشتباه می‌دانستند. آنها فرض می‌کنند که این چیزی بوده که هرگز نباید درخواست می‌کردند. وقتی به آنجا رسیدیم، در مورد آن بحث خواهیم کرد. من فکر می‌کنم مسئله این است که آنها به دلایل اشتباه، پادشاه اشتباهی را می‌خواستند. اما خود پادشاهی چیزی است که از همان ابتدا در نقشه خدا برای قومش بود. بنابراین این یک چیز بسیار مثبت است. حال، پادشاه اشتباهی که به دلایل اشتباه مورد نظر باشد، چیز دیگری است و این چیزی است که در اول سموئیل می‌بینیم.

این اولین اشاره صریح به آن است. اگرچه کلمه "پادشاه" در اینجا استفاده نشده است، اما "عصای سلطنتی" نماد اقتدار سلطنتی است که در اینجا ظاهر می‌شود. مگر اینکه بتوانید به طور ضمنی این را بگویید، به پیدایش ۳:۱۵ برگردید و ببینید که زن قرار است سر مار را بکوبد. می‌توانید به طور ضمنی بگویید که ایده قدرت سلطنتی از آن تکامل یافته است، مطمئناً مشخص نیست. این اولین اشاره صریح است.

می‌خوانم، شاه جیمز در اینجا NIV بعدی، من از *تا زمانی که "شیلوه" بیاید* (؟) - پیدایش ۱۰:۴۹ عبارت متفاوت است. عبارت دوم - "عصای سلطنتی از یهودا دور نخواهد شد، و نه عصای فرمانروا از میان پاهایش." شاه جیمز می‌گوید، "و نه قانونگذاری از میان پاهایش"، که خیلی معنی نمی‌دهد. مشکل این است که در عبری، NIV همین کلمه را می‌توان به هر دو صورت ترجمه کرد. به نظر می‌رسد در متن، بهتر است آن را به روشی که بیان می‌کند، بفهمیم، یعنی «عصای فرمانروا از میان پاهایش». تا زمانی که اتفاق خاصی بیفتد - و اینجا دوباره تفاوت ترجمه وجود دارد. در شاه جیمز آمده است: «تا زمانی که شیلوه بیاید»، یعنی «جمع شدن مردم به شیلوه می‌گوید: «تا زمانی که کسی که به او تعلق دارد بیاید و اطاعت ملت‌ها از آن او NIV خواهد بود». در حالی که یادداشتی دارد که می‌گوید: «یا تا زمانی که شیلوه بیاید؛ یا تا زمانی که کسی که NIV باشد». اکنون *«به او خراج تعلق دارد بیاید»*.

دلیل این ترجمه‌های متفاوت این است که ترجمه این عبارت از عبری بسیار دشوار است. اگر به تفسیر کیل و دلینزش در کتاب پیدایش نوشته کیل نگاه کنید، او آن را به عنوان ترجمه شاه جیمز در نظر می‌گیرد و آن را به صورت «تا زمانی که شیلوه بیاید» ترجمه می‌کند. او بحث مفصلی در مورد این اصطلاح به زبان عبری دارد و

نتیجه می‌گیرد که این عبارت با ریشه *شالام مرتبط* است که احتمالاً از آن نام شهر شیلو را گرفته‌اند. شیلو مکانی است که بعداً اسرائیل وارد سرزمینی می‌شود که صندوق عهد در آن قرار داشت. نام شهر احتمالاً از آن ریشه گرفته شده است. معنای ریشه «آرام بودن»، «آسوده بودن» و «لذت بردن از استراحت» است. بنابراین ایده شیلو شهری است که صندوق عهد در شیلو در آن قرار داشت. اما کیل می‌گوید شیلو ممکن است نه تنها به معنای مکانی برای استراحت باشد، بلکه در واقع به معنای حامل آرامش، کسی که آرامش می‌دهد، باشد. و بنابراین نتیجه می‌گیرد که شیلو در اینجا باید به عنوان یک نام درک شود و در واقع یک عنوان مسیحایی است، کسی که آرامش می‌آورد یا حامل آرامش است. بنابراین، این لقبی برای مسیح است. او در این رابطه می‌گوید که ما شیلوه را به عنوان لقب مسیح می‌دانیم، به همراه تمام کنیسه یهودیان و تمام کلیسای مسیحی، که اگرچه ممکن است در تفسیر دستوری کلمه عدم قطعیت وجود داشته باشد، اما در مورد این واقعیت که پاتریارخ در اینجا آمدن مسیح را اعلام می‌کند، توافق کاملی وجود دارد. پس شما این قرائت را خواهید داشت که «عصای سلطنت از یهودا یا عصای قانونگذار از میان پاهای او دور نخواهد شد تا زمانی که شیلوه بیاید» - مسیح می‌آید.

اکنون دیگران به در نظر گرفتن عبارت عبری در آنجا به عنوان اسم خاص ارتباط بینامتنی با حزقیال. 21:27 ترجمه می‌کنند، خاطر نشان می‌کنند که در نظر گرفتن آن به NIV اعتراض دارند. کسانی که آن را مانند نسخه عنوان اسم خاص یا لقب در هیچ نسخه‌ای قبل از قرن شانزدهم یافت نمی‌شود. هیچ اشاره دیگری به شیلوه به عنوان لقب مسیح در هیچ جای دیگر کتاب مقدس وجود ندارد. اگر این عنوان برای مسیح باشد، تنها جایی است که از آن استفاده شده است. احتمالاً مهم‌تر از همه، در ارجاعات به حزقیال ۲۷:۲۱، به نظر می‌رسد که این متن یک توهم دارد. در حزقیال ۲۱ آیه ۲۷ را دارید، اگرچه در عبری آیه ۳۲ است. اما در این فصل پیشگویی در مورد نابودی آن را "بابل، شمشیر داوری خدا" عنوان می‌کند. NIV. قریب‌الوقوع یهودا و اورشلیم به دست بابلی‌ها وجود دارد ای پسر انسان، روی خود را به سوی اورشلیم بگردان و علیه معبد موعظه کن. علیه "، اگر به آیه دوم نگاه کنید سرزمین اسرائیل نبوت کن و به او بگو: خداوند چنین می‌گوید: من علیه تو هستم. شمشیر خود را از غلاف بیرون می‌کشم و عادلان و شریکان را از تو جدا می‌کنم. چون عادلان و شریکان را نابود خواهم کرد، شمشیر من علیه کمی جلوتر بروید، در آیه ۷ می‌گوید: «این [عیسی] می‌آید! قطعاً همه از جنوب تا شمال کشیده خواهد شد.» اگر رخ خواهد داد، خداوند متعال می‌گوید. «سپس در آیه ۱۰: «شمشیری، شمشیری تیز و صیقلی - تیز شده برای کشتار، صیقلی شده تا مانند رعد و برق بدرخشد!» سپس سوالی مطرح می‌شود: «آیا باید از عصای پسر یهودا شادمان باشیم؟ شمشیر از چنین عصایی بیزار است.» حال در اینجا اشاره‌ای به عصای یهودا می‌بینید. آیا صرفاً به این دلیل که یهودا این عصا را دارد، این شما را در برابر این داوری محافظت می‌کند؟ خب، «شمشیر از چنین عصایی بیزار است»، جمله‌ای است که در این فصل آمده است.

آزمایش قطعاً فرا خواهد رسید. و اگر عصای یهودا که شمشیر آن را حقیر « در آیه ۱۳ آمده است

باز هم می‌بینید که به نظر می‌رسد اشاره‌ای به پیدایش ۴۹:۱۰ . می‌شمارد، ادامه نیابد چه؟» خداوند متعال می‌گوید: است که در آن آمده است: «عصای یهودا از یهودا جدا نخواهد شد.» وقتی در این فصل جلوتر می‌روید، تا آیه ۲۱ زیرا پادشاه بابل در دوراهی جاده، در محل تلاقی دو جاده، برای جستجوی فال توقف خواهد کرد.» در اینجا « شما با روش‌های باستانی خاور نزدیک برای تعیین اراده خدا آشنا می‌شوید. «او با تیرها قرعه خواهد انداخت، با بت‌های خود مشورت خواهد کرد، کبد را بررسی خواهد کرد.» به یاد داشته باشید، کبد و شکل آن برای تعیین اراده خدا استفاده شده است. «قرعه برای اورشلیم به دست راستش خواهد آمد، جایی که او قوچ‌های کوبنده را برپا خواهد کرد، فرمان کشتار را خواهد داد، فریاد جنگ را خواهد نواخت، قوچ‌های کوبنده را در برابر دروازه‌ها و غیره «قرار خواهد داد

حالا شما انتهای آیه ۲۴ را می‌خوانید که می‌گوید، شما به اسارت خواهید رفت، او به اورشلیم حمله خواهد عمده را بردارید، تاج را بردارید. دیگر مثل سابق نخواهد بود: فروتنان سرافراز :کرد. آیه ۲۶- «خداوند می‌گوید و الامر تبه‌ها پست خواهند شد. ویرانه! ویرانه! من آن را ویرانه خواهم ساخت! دیگر بازسازی نخواهد شد.» و «این اشاره‌ای به پیدایش ۴۹:۱۰ است: «... تا زمانی که آن کسی که حقتش است، نیاید؛ من آن را به او خواهم داد پیدایش ۴۹:۱۰ را اینگونه ترجمه می‌کند: «عصای سلطنت از یهودا جدا نخواهد شد، و نه عصای NIV اکنون فرمانروایی از میان پاهایش تا زمانی که آن کسی که حقتش است بیاید و اطاعت امت‌ها از آن او باشد.» بنابراین، عبارت‌بندی حزقیال ۲۱:۲۷ با عبارت‌بندی پیدایش ۴۹:۱۰ متفاوت است، اما اکثر مردم معتقدند که آنچه در متن حزقیال آمده، می‌توان گفت نسخه طولانی‌تری از چیزی است که در پیدایش ۴۹:۱۰ آمده است.

این کلمه عبری است، برای کسانی که قبلاً کلمه عبری *shelu* لغت عبری براون-درايور-بريگز جستجو کنید ، اسمی خواهید دید که احتمالاً معادل *ash* است. *lo'* به علاوه *asher* چیزی از آن اوست می‌آید» یا «آنچه متعلق به اوست می‌آید» است که ترکیبی از شکل ترکیبی *Which is to him* به معنی «برای او» است. کلمه *Lo'* به معنی «کدام» و *Asher* کلمه ترکیب شده است . شما آن را در حزقیال *Lo' / است* که با *Asher* این کلمه است. این کلمه کوتاه شده کلمه را دارید - آنچه که برای اوست، آنچه که به «*Asher lo'* ... می‌بینید؛ شما عبارت «تا زمانی که... بیاید ۲۱:۳۲ حق از آن اوست.

می‌دانم که بیشتر شما عبری بلد نیستید، اما من فقط سعی می‌کنم تا حدودی ماهیت مشکل مربوط به این موافق باشم و بپذیرم که متن حزقیال یک NIV ترجمه را به شما نشان دهم. فکر می‌کنم خودم تمایل دارم که با معادل و نوعی بسط اصطلاحات پیدایش ۴۹:۱۰ است. اگر چنین باشد، به این معنی است که شیلو در پیدایش یک اسم خاص نیست، بلکه این ایده «به کسی که به او تعلق دارد» است. چه آن را «شیلو می‌آید» ترجمه ۴۹:۱۰ کنید و چه «کسی که عصا به او تعلق دارد می‌آید»، در مورد ماهیت مسیحایی جمله تفاوتی ایجاد نمی‌کند. در هر

صورت، شما به کسی که عصا به درستی به او تعلق دارد اشاره می‌کنید، چه آن شخص را شیلو بنامید و چه «کسی که عصا به او تعلق دارد».

در تفسیر مردیت کلاین، *نسخه اصلاح‌شده تفسیر جدید کتاب مقدس*، او در مورد این آیه اظهار نظر می‌کند: «یهودا همچنان خانه سلطنتی خواهد بود تا زمانی که آن کسی که به او تعلق دارد، یعنی عصای سلطنت، بیاید.» بنابراین پیدایش ۴۹:۱۰ آیه‌ای مهم در زمینه این حرکت تاریخ‌رستگاری است، زیرا در اینجا نه تنها محدود شدن وعده از ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اکنون به درون یعقوب، قبیله یهودا، را مشاهده می‌کنید، بلکه مقدمه‌ای بر این ایده پادشاهی در این آشکار شدن وعده نیز دارید. پادشاهی از یهودا ظهور خواهد کرد. سوالی یا نظری دارید؟

پادشاه داوودی و مسیح [در حال حاضر اما نه هنوز]

فکر می‌کنم ایده این است که این یک خط ادامه‌دار است، هرچند ممکن است در واقع، به قول شما، در نشستن شخصی بر تخت داوود، شکاف‌هایی وجود داشته باشد. مطمئناً بین سال ۵۸۶ قبل از میلاد و آمدن مسیح این اتفاق افتاده است. اما با آمدن مسیح، درست است که برخی از مردم به دنبال او بودند تا نقش پادشاه داوود را به عهده بگیرد و به روشی بسیار سیاسی، رومیان را بیرون کند و پادشاهی خود را تأسیس کند، که او به معنای سیاسی این کار را نکرد. با این وجود، او مطمئناً به عنوان پسر داوود آمد. به نظر من، او پادشاهی را آغاز کرد، حداقل به روشی موقت و البته به روشی معنوی. ما تجلی کامل‌تر و کامل‌تر آن را بعداً خواهیم دید.

اما این موضوع، مسئله‌ی دیگری را در رابطه با پادشاهی مطرح می‌کند: اینکه آیا به نوعی در اولین ظهور مسیح برقرار شده است یا منتظر است تا در ظهور دوم برقرار شود. کسانی هستند که می‌گویند در اولین ظهور برقرار شده است و حتی هیچ تحقق کامل‌تری از آن را جز در حالت ابدی نمی‌بینند. دیگران می‌گویند که در اولین ظهور او برقرار نشده است و هر جنبه‌ای از آن هنوز محقق نشده است. به نظر من کتاب مقدس در این مورد، حد وسط را می‌گیرد - از یک نظر اینجا است، اما از نظر دیگری هنوز در حال آمدن است. اینجا است، اما به طور کامل نیست و هنوز به کمال خود نرسیده است. اما فکر می‌کنم نکته، برای بازگشت به سوال، این است که یک سلسله‌ی پایدار وجود خواهد داشت که دوام خواهد داشت، این وعده با وعده‌ی داوود توضیح داده شده است، که به داوود گفته شده است: "خانه‌ی تو تا ابد پایدار خواهد ماند"، که واقعاً همان ایده است.

شیلو می‌تواند شخص یا مکان باشد، می‌تواند به هر دو صورت باشد. این مکان برای مدت نسبتاً کوتاهی در زمان داوران به عنوان محل صندوق عهد عمل می‌کرد و احتمالاً توسط فلسطینیان نابود شد. صندوق عهد هرگز به آنجا بازنگشت. حتی محل شیلو تا حدودی مورد اختلاف بود. فکر می‌کنم احتمالاً بهتر است بگوییم، "تا زمانی که شیلو بیاید" یا به قیاس حزقیال، "تا زمانی که او بیاید که حقتش است" - یکی از این دو به جای "کسی که" "به شیلو می‌آید".

ز. یوسف ۱. پیدایش ۲: ۳۷ - تولدوت

بسیار خوب، حرف گ. در برگه شما «یوسف» است و ۱. پیدایش ۲: ۳۷ است. این یکی دیگر از آن نکات ساختاری جداکننده در کتاب پیدایش است، زیرا متوجه می‌شوید که پیدایش ۲: ۳۷ می‌گوید: «این شرح حال یعقوب است که تا حدودی عبری آن عبارت را مبهم می‌کند. شاه جیمز می‌گوید: «اینها نسل‌های NIV است.» این از یعقوب هستند.» به یاد داشته باشید که ما در مورد آن عبارت بحث کردیم، و در عبری آن تولدوت است - «نسل‌های». آنچه می‌گوید این است: در اینجا یک بخش جدید وجود دارد و ایده این است که آنچه قرار است از یعقوب به وجود آید، چیست. شما یک دوره جدید دارید که آغاز می‌شود، که در آن گسترش نسل برگزیده به یک قوم یا ملت را می‌بینید. زیرا از این نقطه به بعد تمرکز فقط بر یعقوب نیست، مطمئناً نه فقط بر تجربیات شخصی او، حتی اگر این تجربیات دخیل باشند، بلکه بر رویدادهایی است که برای تشکیل قوم یا ملت اسرائیل آماده شده‌اند. البته این شامل فروخته شدن یوسف توسط برادرانش به مصر، قحطی پیش آمده و در نهایت رفتن تمام خانواده به مصر برای نگهداری، به همراه غذایی که در آنجا کنار گذاشته شده بود، می‌شود. البته این روشی است که اسرائیل و خانواده یعقوب به مصر می‌روند و در آنجا به یک ملت تبدیل می‌شوند. آنها آن ۴۳۰ سال را در مصر می‌گذرانند.

بسیار خوب، قسمت ۲ «وقایع زندگی یوسف» است. من تا حدودی آن را در برگه‌های وقایع زندگی یوسف ۲. طرح کلی شما خلاصه کرده‌ام. من قصد ندارم این را فصل به فصل بررسی کنم، اما چند نظر در مورد برخی از نکات او ارائه می‌دهم. شولتز در صفحه ۳۷ خلاصه‌ای از وقایع زندگی یوسف دارد که در مورد پیدایش ۳۷ تا ۵۰ بحث می‌کند. می‌توانم بگویم که روایت‌های یوسف از دراماتیک‌ترین روایت‌ها در تمام ادبیات هستند. حالا فکر می‌کنم تا جایی که به تاریخ رستگاری مربوط می‌شود، اتفاق مهمی در اینجا در حال رخ دادن است، اما حتی جدا از آن، افرادی که به این روایت‌ها فقط از منظر ارزش ادبی و هنری آنها نگاه می‌کنند، به ما می‌گویند که اینها برخی از بهترین داستان‌های روایی هستند که در تمام ادبیات خواهید یافت. البته، درام زیادی در آنها وجود دارد، یوسف توسط برادرانش فروخته می‌شود، به ناحق به زندان می‌افتد، او خواب‌های یک ساقی و یک نانوا و سپس فرعون را تعبیر می‌کند. او به عنوان یک حاکم در مصر قیام می‌کند. سپس برادران وارد می‌شوند و تمام آن تبدیلات بین برادران را دارید. یوسف در نهایت خود را به عنوان کسی که هست نشان می‌دهد.

بنابراین در برگه‌هایتان متوجه می‌شوید، ۳۷- او به مصر برده می‌شود. سپس فصل‌های ۳۹-۴۱: از بردگی تا حکومت، حبس او، تعبیر خواب. در زندان، او با ساقی فرعون و نانوی فرعون ملاقات می‌کند. آنها خواب‌هایی می‌بینند و او به آنها می‌گوید که ساقی به مقامش بازگردانده می‌شود و نانوا کشته می‌شود و دقیقاً همین اتفاق می‌افتد. او به ساقی می‌گوید، وقتی که تو بازگردانده شدی، مرا به یاد داشته باش، از طرف من با فرعون

صحبت کن. ساقی کاملاً فراموش می‌کند. دو سال بعد، فرعون خوابی می‌بیند و سپس به یاد می‌آورد، او، آن مرد در زندان بود که می‌دانست چگونه خواب‌ها را تعبیر کند. بنابراین یوسف نزد فرعون فراخوانده می‌شود و خواب هفت گاو چاق و هفت گاو لاغر و دانه پژمرده و دانه پر بار، هفت سال رفاه و فراوانی و هفت سال قحطی را تعبیر می‌کند. او به فرعون می‌گوید که واقعاً باید در طول هفت سال فراوانی از قبل برنامه‌ریزی کنی. سپس فرعون به دنبال کسی می‌گردد تا این کار را انجام دهد و دوباره به یوسف رو می‌کند.

درسی وجود دارد، مشیت الهی در همه اینهاست. اما این موضوع فراموش کردن، البته از طرف دیگر چیزهایی که برای دیگران مهم هستند، کار بسیار آسانی است. کار کوچکی که می‌توانید انجام دهید و برای شخص دیگری اهمیت زیادی دارد، فراموش کردن کامل آن و جدی نگرفتن آن بسیار آسان است. هیچ عواقبی برای شما ندارد، اما عواقب بزرگی برای کسی که فراموش شده است، دارد.

بسیار خوب، ج. «ملاقات‌های یوسف با برادرانش، ج. ملاقات‌های یوسف با برادرانش - پیدایش ۴۲-۴۵» پیدایش ۴۲-۴۵ است. اولین سفر به مصر بدون بنیامین است. به یاد داشته باشید که بنیامین پسر دوم راحیل بود. راحیل همسر مورد علاقه و یوسف پسر اول پس از مدت‌ها نازایی بود. سرانجام، یوسف به دنیا آمد، یعقوب یوسف را از دست داد و سپس بنیامین به دنیا آمد و در هنگام زایمان راحیل درگذشت. سپس بنیامین مورد علاقه پدر می‌شود. بنابراین وقتی این برادران دیگر به مصر می‌روند، بنیامین با یعقوب می‌ماند و پایین نمی‌رود. اما شمعون توسط یوسف بازداشت می‌شود زیرا او در مورد بنیامین پرس‌وجو کرده و فهمیده است، و می‌گوید، راهی که می‌توانی به من نشان دهی که واقعاً جاسوس نیستی این است که برگردی و بنیامین را پیدا کنی و با خودت بیاوری. وقتی برادران برمی‌گردند و این را به یعقوب گزارش می‌دهند، برای یعقوب بسیار دشوار است که بگوید بنیامین می‌تواند برود. او سرانجام با این کار موافقت می‌کند. در سفر دوم، یهودا به ضامن بنیامین تبدیل می‌شود و در نهایت یوسف خود را معرفی می‌کند.

سپس بنی‌اسرائیل در مصر ساکن می‌شوند. جوشن به عنوان مکانی برای زندگی به آنها داده می‌شود، سپس برکت یعقوب، مرگ یعقوب و دفن او در کنعان را دارید، جایی که او را برای دفن به سرزمین کنعان می‌برند. این فقط خلاصه‌ای از جریان این روایات است. می‌خواهم چیزی در مورد اهمیت این وقایع در زمینه تاریخ رستگاری بگویم و به بخش‌های خاصی از آن خواهیم پرداخت.

روایات خانوادگی یوسف

یک تفسیر نمادین این است که یوسف مردی تقریباً بی‌گناه است که به مسیح اشاره دارد. ممکن است ارتباطات نمادین خاصی بین یوسف و مسیح وجود داشته باشد، اما فکر می‌کنم باید در مورد اینکه تا چه حد با آن

پیش می‌روید، مراقب باشید. در پیدایش ۲: ۳۷، شاید این موضوع نگاه متفاوتی به یوسف بیندازد، اما شاید نه چندان زیاد، اینطور آمده است: «یوسف، جوانی هفده ساله، با برادرانش گله‌ها را می‌چراند. او برای پدرشان، یعنی برادرانش، خبر بدی آورد.» حالا در اینجا یک برادر با اطلاعات بد، یک خبرچین یا نوعی شایعه‌پراکنی، یوسف خوابی دید و وقتی آن را برای برادرانش تعریف کرد: «برمی‌گردد. سپس وقتی به آیه ۵ می‌روید، می‌خوانید کرد، آنها بیشتر از او متنفر شدند. او به آنها گفت: به خوابی که دیده‌ام گوش دهید: ما در مزرعه مشغول بستن دسته‌های گندم بودیم که ناگهان دسته من بلند شد و ایستاد، در حالی که دسته‌های شما دور دسته‌های من جمع شدند و در برابر آن تعظیم کردند.» برادرانش به او گفتند: «آیا قصد داری بر ما سلطنت کنی؟ آیا واقعاً بر ما حکومت و به «البته، در این حرف کنایه‌ای وجود دارد زیرا آنها بعداً در داستان سر تعظیم فرود می‌آورند» خواهی کرد؟» «خاطر خواب و آنچه گفته بود، از او بیشتر متنفر شدند»

سپس خواب دیگری دید و آن را برای برادرانش تعریف کرد. «گوش کنید، من خواب دیگری دیدم و این بار خورشید و ماه و یازده ستاره به من سجده می‌کردند.» وقتی این را به پدرش و همچنین برادرانش گفت، پدرش او را سرزنش کرد و گفت: «این چه خوابی است که دیدی؟ آیا من و مادرت و برادرانت واقعاً می‌آییم و در مقابل به «. تو به زمین سجده می‌کنیم؟» برادرانش به او حسادت می‌کردند، اما پدرش این موضوع را در ذهن داشت نظر من، با وجود همه این‌ها، نگرش او نسبت به برادرانش بسیار سنگین است. درست است، فکر می‌کنم خدا در خوابی چیزی را به او آشکار می‌کرد که بعداً قرار بود به وقوع بپیوندد، اما به نظر من نگرش او در نحوه صحبت کردن در مورد این چیزها با برادران و پدرش، آن چیزی نبود که می‌توانست باشد.

بنابراین فکر می‌کنم یوسف مردی مانند همه مردان . عهد جدید از یوسف به عنوان نمونه‌ای از مسیح یاد نمی‌کند دیگر بود که ویژگی‌های خوب و بد خود را داشت. من فکر می‌کنم جنبه‌های خاصی از زندگی او وجود دارد که ممکن است اهمیت گونه‌شناسی داشته باشد. مردی که من در هلند با او درس خواندم، ان. اچ. ریدرباس است ، فکر می‌کنم قبلاً به این موضوع اشاره کردم. هرمان ریدرباس کتاب‌های «آمدن پادشاهی» و «پولس: خلاصه‌ای از الهیات او» را نوشته است . ان. اچ. ریدرباس محقق عهد عتیق بود و ان. اچ. و هرمان برادر بودند. سپس پدری به نام جی. ریدرباس وجود داشت که او نیز محقق عهد عتیق بود. او پدر دو پسر بود که هر دو در حوزه علمیه تدریس می‌کردند. ان. اچ. استاد دانشگاه آزاد آمستردام در رشته عهد عتیق بود که من زیر نظر او درس خواندم. او گفت که عهد جدید به یوسف به عنوان یک نمونه اشاره نمی‌کند - این یک هشدار است. اما به نظر می‌رسد که در داستان یوسف، مضمون تحقیر و سپس تعالی، در شخص مسیح تحقق بالاتری می‌یابد. یوسف به عنوان مسیح، قوم خدا را از نابودی حفظ می‌کند. اما سپس اضافه می‌کند که محدودیت‌هایی وجود دارد. به نظر می‌رسد برخی از برخوردها در یافتن تطابق‌های دقیق، به تمثیل نزدیک می‌شوند و اینجاست که او به نوعی عقب‌نشینی می‌کند و من فکر می‌کنم این کار درستی است.

اهمیت این وقایع در متن تاریخ رستگاری یوسف موقتاً برجسته می‌شود، اگرچه یهودا نسل موعود است ۳. بیابید به شماره ۳ برویم. «اهمیت این وقایع در متن تاریخ رستگاری». من می‌خواهم فقط دو نکته را در اینجا بیان کنم. نکته اول این است که یوسف موقتاً برجسته می‌شود، اگرچه یهودا نسل موعود است. حال در این داستان‌ها، به نظر می‌رسد که تنش بین لیه و راحیل در فرزندانشان ادامه دارد، زیرا چهار پسر اول لیه: روبن، شمعون، لاوی و یهودا در فروش پسر راحیل به بازرگانان مدیانی دست دارند، که به موجب آن او به مصر برده می‌شود. با این حال، درست است که یهودا کسی است که در پیدایش ۲۷:۳۷ پیشنهاد فروش یوسف را به جای کشتن او می‌دهد: «بیابید او را به اسماعیلیان بفروشیم و دست خود را بر او دراز نکنیم، زیرا او برادر ما و از گوشت و خون ماست.» به نظر می‌رسد که روبن واقعاً می‌خواست او را آزاد کند، زیرا در آیه ۲۱ می‌گوید: «وقتی روبن این را شنید، سعی کرد او را از دست آنها نجات دهد، گفت: «جان او را نگیریم.» سپس گفت: «او را در این چاه بیابان بیندازید، اما دست خود را بر او دراز نکنید.» روبن این را گفت تا او را نجات دهد و نزد پدرش برگرداند.» اما وقتی برگشت، آیه ۲۹، متوجه شد که یوسف آنجا نیست و لباس‌هایش را پاره کرد و پیش برادرانش برگشت و از برادرانش پرسید: «حالا کجا می‌توانم بروم؟» بنابراین به نظر می‌رسد که روبن واقعاً نقش زیادی در این ماجرا نداشته است. اما در هر صورت، به نظر می‌رسد که بخشی از این درگیری در فرزندان ادامه دارد.

علاوه بر این، رفتار یهودا در فصل بعدی، فصل ۳۸، که نوعی پرائنتر در این پیدایش ۳۸ یهودا و تamar - پرز سلسله روایات درباره یوسف است، شخصیتی نیست که از کسی که قرار است آن خط موعود از طریق او ادامه یابد، انتظار داشته باشید، زیرا فصل ۳۸ درباره رابطه یهودا با تamar، همسر سابق پسر یهودا، می‌گوید. شوهر او، پسر یهودا، درگذشت و در مقطعی او شوهر دیگری نداشت و پسر دیگر یهودا حاضر نبود آن وظیفه لاوی را در قبال او انجام دهد. یهودا در جاده است و او را می‌بیند، او را با یک فاحشه اشتباه می‌گیرد و با او رابطه جنسی برقرار می‌کند که از آن فرزندانی به دنیا می‌آیند. در آیه ۱۶ می‌خوانید: «چون نمی‌دانست که او عروس اوست، در کنار جاده به سمت او رفت و گفت: «بیبا، بگذار با تو بخوابم.»» آیه ۲۴: «سه ماه بعد به یهودا گفته شد: «عروس تو تamar مرتکب فحشا شده و در نتیجه باردار شده است.» یهودا گفت: «او را بیرون بیاورید و بسوزانید!» وقتی او را بیرون می‌آوردند، برای پدر شوهرش پیامی فرستاد. او گفت: «من از صاحب اینها باردار هستم، بین آیا می‌دانی این مهر و بند و عصا از کیست؟» یهودا آنها را شناخت و گفت: «او از من پارسا تر است، زیرا من او را | «به پسرم شلیه ندادم.» و دیگر با او نخواهید

اما فرزندان به دنیا می‌آیند و شما در فصل ۳۸، آیه ۲۹ می‌خوانید: «اما هنگامی که فرزند و نسل مسیح دست خود را عقب کشید، برادرش بیرون آمد و او گفت: «پس این چنین فرار کردی!» و او را فرزند نامیدند. سپس

برادرش که ریسمان قرمز بر مچ دستش بود، بیرون آمد و نام او را زراح گذاشتند.» نکته جالب این است که فرزند پس «: حلقه‌ای در نسل یهودا تا مسیح می‌شود. اگر به روت ۱۸: ۴-۲۲، در انتهای کتاب روت نگاه کنید، می‌خوانید این است نسب فرزند: فرزند پدر حصرون، حصرون پدر رام، رام پدر عمیناداب، عمیناداب پدر نحشون، نحشون بنابراین در سلسله نسب «: پدر سلمون، سلمون پدر بوعز، بوعز پدر عوبید، عوبید پدر یسی و یسی پدر داوود بود یهودا پدر پرز و زارح، «: تا داوود، پرز را می‌یابید. در متی فصل ۱، جایی که شجره‌نامه مسیح، آیه ۳ را دارید بنابراین، این نوع رفتاری نیست که ممکن است انتظار داشته باشید، اما ما بارها شاهد آن «: که مادرش تامار بود بوده‌ایم. خداوند اهداف رستگاری خود را علیرغم اعمال گناه‌آلود انسان به انجام می‌رساند. در این مدت، یوسف برجسته است. او توسط برادرانش فروخته می‌شود، اما در نهایت این امر به حفظ بنی‌اسرائیل و بازگرداندن آنها به یکدیگر کمک می‌کند.

می‌بینم که وقتم دارد تمام می‌شود. باید همین جا توقف کنیم. در سه‌ماهه‌ی آینده به این موضوع خواهیم پرداخت - «اهمیت این وقایع در بستر تاریخ رستگاری». ما به یک نکته نگاه کردیم: یوسف موقتاً برجسته می‌شود، اگرچه یهودا کسی است که وعده و پیشگویی را محقق خواهد کرد.

رونویسی کانر گراف و تد هیلدبرانت
(Dt) تدوین اولیه توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط چلسی کاپس
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت